

شهرهای قشنگ ما

نویسنده: لیلا فیامی

مثل بادکنک

شهر جای قشنگی است. پر از خانه‌های بزرگ و کوچک و پر از خیابان است. پر از ماشین و سر و صدا و چراغ‌های رنگارنگ است. پر از چیزهای مختلفی است که می‌توانند زندگی را راحت‌تر کنند. از قطار شهری گرفته تا فروشگاه‌های بزرگ، ورزشگاه، دانشگاه، سینما، شهر بازی و... بی‌خود نیست همه دل‌شان می‌خواهد توی شهر زندگی کنند. برای همین شهرها هر روز دارند بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوند تا بتوانند همه‌ی آدم‌هایی را که می‌خواهند توی‌شان زندگی کنند را جا بدهند. شهرها مثل بادکنک‌هایی می‌مانند که انگار گروهی یواش یواش توی‌شان فوت می‌کنند و هی بزرگ و بزرگ‌ترشان می‌کنند!

تا کجا؟

خیلی خوب است شهرهای بزرگ و پر از امکانات مختلف داشته باشیم. خیلی خوب است همه بتوانند

توی این شهرها زندگی کنند و از این امکانات لذت ببرند. اما یک وقت‌هایی وقتی از دور به شهرهای بزرگ نگاه می‌کنیم که هر روز بزرگ و بزرگ‌تر می‌شوند، ممکن است از خودمان پرسیم: «تا کجا ادامه پیدا می‌کنند، چه قدر دیگر قرار است بزرگ شوند؟! من که فکر می‌کنم اگر شهرها همین‌جور بزرگ و بزرگ‌تر شوند، دیگر توی دنیا غیر از شهرها چیزی باقی نمی‌ماند. همه‌جا می‌شود شهر؛ جنگل، شهر، کوه، شهر، روستا و صحرا، شهر... یک شهر بی‌انتهای که هر چه بروی به آخرش نمی‌رسی. این خیلی خوب نیست.

نه برای اهالی جنگل و کوه و صحرا و... و نه برای مردم شهر. خب دنیا که فقط به شهر احتیاج ندارد. به جنگل و کوه هم احتیاج دارد. به روستا احتیاج دارد، به بیابان و صحرا احتیاج دارد. دنیا بدون این مکان‌ها و اهالی‌شان خیلی جای قشنگی نیست. شما این‌طور فکر نمی‌کنید. پس باید دست نگه داریم. باید جلوی بزرگ شدن شهرها را بگیریم.

فانصرت

شماره ۶۵

۱۴ آبان

۱۴۰۱

اتفاق ویژه

۸